

خبر

اتهام بزرگ علیه نویسنده

«ملت عشق»



«الیف شافاک» نویسنده شناخته‌شده ترکیه‌ای به سرعت بخش‌هایی از کتابی در سال ۱۹۹۰ و استفاده از آنها در رمان پر فروش خود «شپش پالاس» شده است.

به گزارش ایسنا، دادگاهی در ترکیه، «الیف شافاک» رمان‌نویس برنده جایزه را به پرداخت غرامت به نویسنده دیگری پس از متهم شدن به کپی‌برداری از کتابش محکوم کرد.

دادگاه استانبول اعلام کرده که گزارش کارشناسی تهیه‌شده برای این پرونده نشان می‌دهد که حداقل پنج درصد از رمان نوشته شافاک به نام «شپش پالاس» در سال ۲۰۰۲ از کتاب «کاک مگس‌ها» اثر «امین کریکانات» روزنامه‌نگار و نویسنده ترک در سال ۱۹۹۰ سرقت شده که شامل کپی کردن برخی از ایده‌ها، شخصیت‌ها و فضاها بوده است. این دادگاه همچنین اعلام کرده که شافاک باید حدود ۱۶۰ هزار لیر ترکیه (۵۲۰۰ دلار) غرامت بپردازد و در یکی از بزرگترین روزنامه‌های کشور به سرقت ادبی اعتراف کند.

شافاک گفته است که به این رای اعتراض خواهد کرد و در بیانیه‌ای رسمی این اتهامات را «تهمت‌ی دیوانه‌وار» خوانده و عنوان کرده پرونده دادگاه به اساس حاکمیت قانون ایجاد نشده و او نیز از «امین کریکانات» به دلیل آسیب رساندن به شهرت خود شکایت خواهد کرد و مشکوک است که این نویسنده با سوءنیت یا از روی حسادت دست به این شکایت زده است.

به گزارش میدل ایست آی، شافاک به‌خاطر عقاید لیبرال، دموکراتیک و سیاسی خود شناخته شده است، در حالی که «کریکانات» بخشی از چیزی است که مردم ترکیه آن را یک کمالیست یا عقاید قوی در مورد دولت و جمهوری می‌شناسند.

وکیل شافاک در دادگاه استدلال کرد که رمان «شپش پالاس» ۲۸۱ صفحه است در حالی که کتاب «قصر مگس‌ها» ۱۴۲ صفحه است و بنابراین ادعای شاک می‌بنی بر سرقت ادبی در هر چهار فصل کتاب با توجه به طولانی بودن دو متن امکان‌پذیر نیست و چندین گزارش کارشناسی ثابت کرده که نویسنده در رمان «شپش پالاس» حتی از کتاب دیگری الهام گرفته‌چپ رسیده به سرعت ادبی.

«الیف شافاک» یکی از پرفروش‌ترین رمان‌نویسان ترکیه و یکی از شناخته‌شده‌ترین شخصیت‌های ادبی ترک در سراسر جهان است. با این حال نام او اغلب با جنجال در ترکیه همراه است. انتشار کتاب «ناپاک‌زاده استانبول» او در سال ۲۰۰۷ یک پرونده قضایی عجیب علیه او به راه انداخت و او به توهین کردن به «ملیت ترکیه» متهم شد.

آثار «الیف شافاک» تاکنون به ۵۵ زبان ترجمه شده است. او نگارش ۱۹ کتاب را در کارنامه دارد که ۱۲ عنوان کتاب او رمان است و در بسیاری از کشورهای جهان به فروش چشمگیری دست یافته است.

آخرین رمان این نویسنده با عنوان «جزیره درختان گمشده» یکی از ۱۰ کتاب پرفروش ساندی تایمز شد و در فهرست نهایی جایزه رمان کاستا و جایزه زنان قرار گرفت. همچنین رمان «۱۰ دقیقه و ۳۸ ثانیه در این دنیای عجیب» دیگر نوشته او نیز در فهرست نهایی جایزه بوکر قرار گرفت.

کسب نامزدی جایزه بین‌المللی ادبی دولین برای کتاب «ملت عشق» و جایزه رومی برای رمان «پنهان» از دیگر جوایز کسب‌شده توسط این نویسنده ۵۲ ساله است. رمان جدید نوشته «الیف شافاک» با عنوان «روادخانه‌هایی در آسمان» در ماه آگوست امسال منتشر خواهد شد.

به گزارش ایسنا، لوریس چکناوریان قطعه‌ای را به یاد پروفسور مریم میرزاخانی (نابغه ریاضی) ساخته است که روز سه‌شنبه ۸ اسفند برای اولین بار پخش و به خانواده میرزاخانی تقدیم شد.

در ابتدای این مراسم پس از پخش ویدئویی همراه با موسیقی‌ای که چکناوریان برای مریم میرزاخانی فقید ساخته است، احمد میرزاخانی پدر مریم میرزاخانی گفت: بنده امیدوارم لیاقت تشکر و قدرتی از شخصیت والای استاد چکناوریان را به عنوان یکی از چهره‌های شناخته شده فرهنگی در جهان به ویژه ایران داشته باشم. مسلمان جامعه علمی از این اقدام ایشان بهره‌مند خواهد شد.

او ادامه داد: نیکوکاری رعد در چهار دهه فعالیت برای توان‌یابان و معلولین موجب ایجاد فرصت تحصیل و شغلی شده است، چه بسا که شرایط برای این افراد در جامعه سخت‌تر است و این مرکز تلاش کرده آموزش عالی برای اشتغال و حضور آنها در جامعه داشته باشد که البته اقدامات آن موثر بوده است.

میرزاخانی همچنین درباره شعر این رویداد گفت: دل نوازی نت‌ها و مقام اعداد که شعر جلسه است، ارتباط بین ریاضی و موسیقی را نشان می‌دهد که البته استاد نیز در ساخت این اثر به آن توجه داشته است. شاید بهتر باشد سابقه تاریخی ارتباط ریاضی و موسیقی را در کشور و البته سایر کشورهای جهان که درباره آن مطالعه عمیقی داشته‌اند، بررسی کرد. به عنوان مثال در ایران ابونصر فارابی که در قرن سوم هجری می‌زیسته از بزرگترین حکما و دانشمندان در فلسفه و پزشکی بوده است و روی موسیقی نیز کار کرده است. نغمه‌ها و آهنگ‌های مولویه همراه با اشعاری که منتصب به مولوی هستند از آثار فارابی نشأت گرفته است. می‌گویند ایشان در علم صناعت موسیقی و عمل به آن به لغایت اتقان رسیده است. خیام نیز در زمینه ارتباط موسیقی و ریاضی کار کرده است؛ خیام که در اروپا بیشتر از سایر شاعران ایران شناخته است. به هر حال تحقیق در این زمینه لازم و البته کاری زمان بر است.

مریم میرزاخانی یک انسان بود

امیر جعفری یکی از دوستان زنده‌یاد مریم میرزاخانی نیز طی سخنانی گفت: مریم از دوستان خیلی نزدیک من بود. استاد میرزاخانی همیشه می‌گفت از مریم اسطوره نسازید، مریم هم یک انسان بود. بله مریم یک انسان بود، چیزی که این روزها کم‌تر می‌بینیم. من شنیده‌ام وقتی دانشجوی هاروارد بوده است به دانشجویان تابینا و معلول کمک می‌کرده و همیشه تلاش می‌کرده و دوست داشته به دیگران کمک کند. یادم می‌آید وقتی اولین سال ۱۵ سال دانش و به دانشگاه شریف ری آمده بود همیشه یک شور زندگی داشت و یک لبخند بر لب داشت. زندگی کردن یک هنر است و درک زندگی کار هر کسی نیست. مریم به خاطر درکی که

لوریس چکناوریان:

می‌خواستیم برای مریم میرزاخانی آهنگ عاشقانه بسازم اما نشد!

لوریس چکناوریان که به تازگی اثری موسیقی برای مریم میرزاخانی فقید ساخته است، درباره ساخت آن می‌گوید: «من نیز مانند بسیاری از ایرانی‌ها با از دست دادن شخصیتی به این بزرگی تحت تأثیر قرار گرفتم. چند وقت پیش می‌خواستم خود را چک کنم گوشی خود را روشن کردم و عکس او جلویم ظاهر شد. نمی‌دانم چه شد، گویی یک ارتباط مستقیم بین ما برقرار شد و بلند شدم و رفتم پشت میز نشستم و این اثر را نوشتم.»



شماره است. نمی‌توانید موسیقی را بدون ریاضی یاد بگیرید. موسیقی دو نوع است محلی و ملی؛ محلی حسی است و نسل به نسل منتقل می‌شود. بعد نیز موسیقی ملی است که همراه با شعر است. می‌گویند موسیقی غربی ولی این غلط است؛ زیرا ارتباط مستقیم بین ما برقرار شد و بلند شدم و رفتم پشت میز نشستم و این اثر را نوشتم. به دوست عزیزم علیرضا راد زنگ زدم و گفتم من چنین چیزی را نوشتم.

گفت: «زود بفهرست این کار را کهی کنم و ثبت کنم». من فرستادم و این کار انجام شد.

او ادامه داد: خیلی تعجب کردم! من می‌خواستم کاری بنویسم عاشقانه و رمانتیک ولی نشد چون

او یک دانشمند بود و نمی‌شد کاری عاشقانه و رمانتیک برایش نوشت. به همین جهت کاری نوشتم اعتراضی، حزین‌آلود و حماسی و به گونه‌ای آن را نوشتم که هر کسی گوش کند بفهمد که این اثر ایرانی است و برای یک ایرانی نوشته شده است. چکناوریان تصریح کرد: ریاضی بدون موسیقی می‌تواند باشد ولی موسیقی بدون ریاضی نمی‌تواند باشد. هر صدایی که در موسیقی می‌شنوید، یک

کنار خانواده میرزاخانی هستم. من نیز مانند بسیاری از ایرانی‌ها با از دست دادن شخصیتی به این بزرگی تحت تأثیر قرار گرفتم. چند وقت پیش می‌خواستم اخبار را چک کنم گوشی خود را روشن کردم عکس او جلویم ظاهر شد. نمی‌دانم چه شد، گویی یک ارتباط مستقیم بین ما برقرار شد و بلند شدم و رفتم پشت میز نشستم و این اثر را نوشتم. به دوست عزیزم علیرضا راد زنگ زدم و گفتم من چنین چیزی را نوشتم.

گفت: «زود بفهرست این کار را کهی کنم و ثبت کنم». من فرستادم و این کار انجام شد.

او ادامه داد: خیلی تعجب کردم! من می‌خواستم کاری بنویسم عاشقانه و رمانتیک ولی نشد چون

او یک دانشمند بود و نمی‌شد کاری عاشقانه و رمانتیک برایش نوشت. به همین جهت کاری نوشتم اعتراضی، حزین‌آلود و حماسی و به گونه‌ای آن را نوشتم که هر کسی گوش کند بفهمد که این اثر ایرانی است و برای یک ایرانی نوشته شده است. چکناوریان تصریح کرد: ریاضی بدون موسیقی می‌تواند باشد ولی موسیقی بدون ریاضی نمی‌تواند باشد. هر صدایی که در موسیقی می‌شنوید، یک

پرویز عزیز آچار فرانسه دوبله بود

خاطرات منوچهر والی‌زاده در فراق پرویز ربیعی

دوبله و از گویندگان خیره خواند.

این هنرمند باسابقه دوبله که در مراسم تشییع هم حاضر شده بود، ضمن اظهار تسلیت و ابراز همدردی با خانواده ربیعی و دوبله کشورمان با اشاره به همکاری‌اش با پرویز ربیعی سخنان را آغاز می‌کند و می‌گوید: خداوند رحمتش کند پرویز عزیز را که امروز برای همیشه از کنار ما رفت. من ۶۵ سال است که در کار دوبله هستم و ۶۲ سال بود که با پرویز عزیز همکار و دوست بودیم. ایشان بعد از ما وارد دوبله شدند و از کسانی بودند که واقعا آچار فرانسه دوبله بودند. آقای ربیعی در کارش تبحر داشت. من همیشه می‌گفتم این دوستان، جلیولند و اسماعیلی دوبله هستند در نقش‌های کوتاه. استاد ربیعی، آقای شهروز ملک‌آزایی عزیز چند چندی پیش از دنیا رفتند همیشه در کارشان تبحر خاصی داشتند و در تیپ‌های مختلفی صحبت می‌کردند و در کارهای انیمیشن زیادی هم حضور داشتند. به‌خصوص آقای ربیعی که از مهمترین نقش‌هایشان در انیمیشن، پدر پسر شجاع و آقای نجار بود.

خدا یا ما را ایستاده بپمیران!

والی‌زاده ادامه می‌دهد: این عزیزان در همه فیلم‌ها جا داشتند که حرف بزنند. اگر فرصت بود در همه فیلم‌ها صحبت می‌کردند. من همیشه می‌گفتم اگر در فیلمی آقای ربیعی نمی‌آمد واقعا آن فیلم لنگ می‌ماند انقدر که ایشان در کارش خیره بود. به هر حال زندگی همین است. نوبت ما هم می‌شود. هر نسلی که می‌رود باید نسلی دیگر جایگزینش شود. همیشه که ما نیستیم، آن‌قدر بزرگتر از ماها رفته‌اند که ما انگشت کوچکشان هم نمی‌شویم. ان‌شاءالله جوان‌ها سلامت باشند. به نظرم عاقبت بخیری همین است که آدم ناگهان برود. پرویز عزیز حدود ۱۲ سال پیش عمل قلب باز انجام داده بود اما رفتنش ناگهانی بود. به هر حال همه ما سن و سالمان بالاست و دیگر جوان نیستیم. همسر آقای ربیعی در مراسم خاکسپاری در کمال تعجب ایستاده بود و می‌گفت من رفتم برایش آب بیاروم که زمین افتاد، ایست قلبی و تمام ؛... حیف است که این صداها از دست می‌روند اما زندگی همین است و مرگ نوبتی است. به نظرم



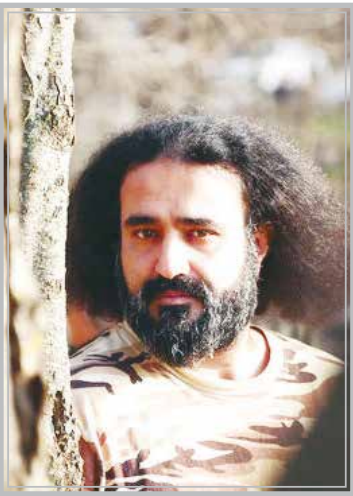
منوچهر والی‌زاده، پیشکسوت دوبله با ابراز ناراحتی از درگذشت پرویز ربیعی، دیگر هنرمند این عرصه که به تازگی دار فانی را وداع گفت، او را از گویندگان خیره در دوبله می‌داند. والی‌زاده همچنین ابراز امیدواری می‌کند که با رفتن صداهای ماندگار، جوانان جایگزین در دوبله بتوانند این حرفه را حفظ کنند.

منوچهره والی‌زاده در گفت‌وگویی با ایسنا از همکاری ۶۲ سال‌اش با مرحوم پرویز ربیعی گفت. او زنده‌یاد ربیعی را یکی از ارکان اصلی

فرهنگ و هنر

خبر

روایتی از مرگ و حواشی آن



حنیف خورشیدی در مجموعه شعرش که شایسته تقدیر جشنواره شعر فجر شده است، به مرگ و حواشی آن پرداخته و می‌گوید: از شاعران دور تا اکنون در اشکال مختلفی به مرگ توجه شده و با بیان‌ها و نگاه‌های متفاوتی و با اندیشه و احساس‌های مختلف به شعر رسیده است اما در «شعر حجم» مرگ‌اندیشی یک روال عارفانه است.

حنیف خورشیدی که با کتاب «ندرت ناگوار مرگ» به عنوان شایسته تقدیر بخش شعر نو و نیمایی هجدهمین دوره جشنواره شعر فجر معرفی شده است در گفت‌وگویی مکتوب با ایسنا درباره کتاب خود و مفهوم مرگ اظهار کرد: کتاب «ندرت ناگوار مرگ» در چندین ایپزود، جلوه‌گری مرگ را از مفهومش بیرون می‌آورد و می‌کوشد ناگفته‌ها و ناشنیده‌هایی را برای مخاطبش تصویرسازی کند. در این کتاب، مرگ سمبل نیست، آرمان نیست و قرار نیست مرگ در اتفاق طبیعی خودش، شناخته شود. طبیعتا رفتار شاعر در اشاره به جزئیات خاص‌تر می‌شود و ضرورت برخورد با واژگان را با آن‌که با صداقت عجین شده؛ اما می‌داند که به تنهایی کفایت نمی‌کند، چرا که کشف درونی شاعر با مشاهده‌اش به دنبال رهایی است، طوری که موقعیت مفهوم در شعر، پشت چندین لایه کشف می‌شود.

او سپس گفت: زبان و سبک کتاب نئوسامپاتانیستی است؛ جریانی نو و تازه در ادبیات، که تئوری‌اش را «علی مومنی» نوشته و در این کتاب اجرا شده است. تمام شعرها روی محور «مرگ دسته‌جمعی ماهی‌ها در تور ماهی‌گیری» می‌چرخد. ۵۷ ایپزود با نام‌های شاعرانه و جمعی دارد. به بیان دیگر، مرگ آغاز و پایانش در تعامل با هم می‌تواند نشانه‌های متفاوتی را در «زبان‌شعر» بیان کند تا آن‌چه در تصویر و روایت است، محتوای خاص‌تری بگیرد. صحنه اجرای مرگ، برای ماهی‌ها همان صحنه‌ای است که جست‌وجویش، ظرفیت زبانی اجرا را دارد، اما قاعده اجرا مه‌ه‌تر است و ذهنیتی که صدایش، دیگر صدا نیست.

این شاعر با بیان اینکه «ندرت ناگوار مرگ» به «مرگ» و حواشی‌اش پرداخته است، اظهار کرد: این نگاه به مرگ در شعر کار تازه‌ای نیست، چون از شاعران دور تا اکنون در اشکال مختلفی به آن توجه شده و با بیان‌ها و نگاه‌های متفاوتی و با اندیشه‌های مختلف به شعر رسیده است اما در «شعر حجم» مرگ‌اندیشی یک روال عارفانه است. بهترین نمود این مدعا کتاب بی تکرار و ارزشمند «هفتاد سنگ قبر» دکتر بدالله رویایی است که چهره مرگ را در زیباترین و کامل‌ترین شکل ممکن به تصویر می‌کشد.

او خاطرنشان کرد: پس مرگ، در نگاه شاعران حجم نوعی حیات جاودان است، عشق بی‌تسکین است و تمامیت عشق پیوند عجیبی با دریافت مرگ‌پذیری و مرگ‌اندیشی دارد و آن‌گونه که بیش‌تر در هویت یک ماهی به آن پرداخته که هیچ مقاومتی در نوع نگاه زیباشناختی او در پس مضامین و ترکیب‌هایش نداشته؛ پس عشق در «ندرت ناگوار مرگ» می‌تواند تن مرده باران‌خورد‌های باشد (ماهی صیدشده در زیر باران) که به شکل جنون‌آمیزی وضعیت زندگی دیگرش را نشان می‌دهد.

حنیف خورشیدی درباره ارزیابی‌اش از وضعیت شعر نیز اظهار کرد: طبیعتا نگاه نو به پدیده‌ها و علامت‌ها موجب تحول در زبان شعرخرد بسیار متفاوت از زبان متداول در شعر پارسی است. شاعر باید به نگاه خود جسارت بهتر دیدن بیاموزد و از سطح اشیاء عبور کند و به درک عمیق‌ترین لایه‌های زبان و به کیفیت تکوین تصویر در شعر برسد.



زندگی کردن

یک هنر است

و درک زندگی

کار هر کسی

نیست. مریم به

خاطر درکی که

از زندگی داشت

بیشتر از افراد

۸۰ ساله زندگی

کرد



پیمانکاری، که دارای درجه مرمت است، انجام شود و تا شهریور امسال در دسترس قرار گیرد.

مدیر موزه فرش می‌گوید حوض‌ها قرار است دقیقاً به همان شکل سابق و پیش از تبدیل شدنشان به باغچه بازگردند.

اینانلو این خبر را هم می‌دهد که در توافق با شهرداری قرار است حوض‌ها، که اکنون پشت درهای موزه فرش است، به داخل محوطه موزه وارد شود. مدیر موزه فرش درباره موانع بازسازی این حوض‌ها که مدیران قبلی موزه پیش‌تر مطرح کرده بودند، اظهار می‌کند: درباره ایجاد تغییر در حوض‌های موزه فرش چند مشکل داریم و نمی‌دانیم اگر به آنها دست بزینم چطور می‌شود، برای همین باید باملاحظه با آنها رفتار کنیم. بخشی از لوله‌کشی زیر حوض‌ها سطحی است که لوله‌های چدنی باید خارج و جایگزین شود. قسمت پیچیده کار رسیدن از کف حوض تا لوله‌کشی‌هاست. برای انجام دادن این کار نیاز است کف حوض برداشته شود و بر همین اساس می‌توان گفت به نوعی با هندوانه درسته مواجهیم. البته آمادگی اقدام سریع‌تر را داریم، اما نمی‌خواهیم بازدیدکنندگان روزوری را تحت تأثیر فرایند بازسازی حوض‌ها قرار دهیم.

موزه فرش در ضلع شمالی پارک لاله تهران واقع شده که محل نگهداری فرش‌ها و قالیچه‌های نفیس ایرانی است. ساختمان موزه ۳۴۰ مترمربع مساحت دارد که آذین‌های نمای بیرونی آن شبیه دار قالی و اثر عبدالعزیز فرمانفرمایان است.

موزه ملی فرش ایران در تهران به عنوان موزه قالیچه‌های شهری در ۲۲ بهمن ۱۳۵۶ افتتاح شد، حصار و نرده‌ای برای تکنیک عمارت موزه از محوطه خیابان وجود نداشت و به همین دلیل این امکان وجود داشت که حوض‌های مقابل آن از آب رونده بر شوند و از طریق چند حوض

در نهایت به حوضی روبه‌روی بنای نمازخانه موزه هدایت شوند. هدف معمار از این کار، القای حس وضوخانه برای مخاطب بود. چند جفت کفش پشت نمازخانه و دستکی که توسط پرویز تناولی ساخته شده بود به سوی قبله، مجموعه‌ای را می‌ساخت که نماد اعتقادات قالیبافان بود. «اکنون پس از گذشت حدود دو سال از اجرای آن حوض‌ها به محلی برای حوض‌ها به باغچه‌هایی کچل تبدیل شده‌اند که جز خاک باغچه و یکی دو نهال کم‌جان، چیز دیگری ندارند. ظاهر بعضی از این حوض‌ها به گونه‌ای آشفته شده است که مرمت فوری می‌طلبد، از طرفی با آنکه در تغییر کاربری حوض‌ها به باغچه این توجیه آورده شده بود که محوطه، سامان‌دهی و از حضور افراد بی‌خانمان پاکسازی شده است، اما همچنان این محل پاتوق افراد بی‌خانمان است که غروب‌ها و در سرمای زمستان به آن پناه آورده و در جوارش آتش روشن می‌کنند. مدیر موزه فرش اما اکنون می‌گوید برای تغییر وضع نابسامان حوض‌ها درخواست اعتبار کرده است.

محمدجواد اینانلو همچنین از انجام مطالعاتی درباره حوض‌ها خبر داده و بیان می‌کند: مطالعات مرتبط با حوض‌های موزه به پایان رسیده و قرار است اقدامات لازم از سوی سازمان زیباسازی شهرداری تهران با